

فصل‌نامه بین‌المللی علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفاى دل سابق)

سال هفتم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۴۰۳ (صص ۱-۲۱)

مقاله پژوهشی

Doi: 10.22034/jmzf.2025.505035.1223

بررسی تأثیر مؤلفه عشق در ابعاد نیهیلیسم در شعر فروغ فرخزاد و احمد

شاملو

الهام بهنام وظیفه^۱، نرگس اصغری گوار^۲، علی رضانی^۳

چکیده

در شعر معاصر اغلب شاعران با شکست در روابط عاطفی، به نیهیلیسم گرایش یافته‌اند. عشق یک مؤلفه مهم در پوچ‌گرایی شاعران معاصر است. فروغ فرخزاد و احمد شاملو از شاعران برجسته معاصر هستند که مؤلفه عشق در ارتباط با نیهیلیسم در شعرشان دیده می‌شود. در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی با هدف بررسی ارتباط عشق و ابعاد مختلف نیهیلیسم به عنوان یکی از دلایل پوچ‌گرایی دو شاعر، اشعار غنایی و اجتماعی آن‌ها بررسی شده است. در گرایش‌های پوچی هر دو، در بُعد فردی و اجتماعی شعرشان، مؤلفه عشق در نیهیلیسم فردی، نیهیلیسم سیاسی و نیهیلیسم اجتماعی دیده می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد: در بُعد فردی علت اصلی گرایش آن‌ها به نیهیلیسم «شکست در عشق» است. فرخزاد با شکست عاشقانه در نیهیلیسم باقی می‌ماند و تا پایان شاعری از اندوه و افسوس جدایی می‌سراید اما شاملو در دوره‌ای به نیهیلیسم عاشقانه می‌رسد و بار دیگر به یاری عشق متعالی آیدا از نیهیلیسم گذر می‌کند و زندگی تازه‌ای آغاز می‌کند. نیهیلیسم سیاسی فقط در شعر شاملو آمده است و مربوط به شکست عاطفی شاعر از عشق به یاران مبارزی است که در مبارزه سیاسی، او را رها کردند. در بُعد اجتماعی، هر دو از زوال عشق در میان مردم به اندوه نیهیلیستی دچار شده‌اند، تفاوتشان در این است که نیهیلیسم فرخزاد در ارتباط با جامعه مردسالار و روابط اجتماعی مردم دیده می‌شود؛ اما نیهیلیسم شاملو همسو با شکست‌های سیاسی است که به دلیل اندوه از زوال عشق مردم در عرصه اجتماع است.

واژه‌های کلیدی: فروغ فرخزاد، احمد شاملو، نیهیلیسم، عشق، شکست.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

elham_behnam@yahoo.com

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران (نویسنده مسئول).

n_asghari@iau_aha.ac.ir

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

a-ramazani@iau-ahar.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰

۱. مقدمه

پوچ‌گرایی یک دیدگاه فلسفی است. در تعریف آن آمده است «نیهیلیسم وضعیت روان‌شناختی و معرفت‌شناختی است که در آن معنای زندگی، هستی بودن، خود و حیات از دست می‌رود و در پی آن شرایطی اضطراب‌آفرین و سر درگمی روحی ایجاد می‌شود» (زمانیان، ۱۳۸۵: ۸۸). با ورود چنین اندیشه‌هایی به آثار ادبی، مکتب نیهیلیسم شکل گرفت و به سرعت در ادبیات کشورها وارد شد. در ادبیات فارسی، با توجه به اینکه با انقلاب مشروطه و ره‌آورد فرهنگی آن، آشنایی ادیبان با ادبیات جهان فراهم گشت، این اندیشه‌ها در ایران رواج یافت و در آثار ادبی وارد شد. جامعه ایران نیز با مشروطه رو به مدرنیته حرکت کرد و در این مدرنیته، انسان و عواطف او در صدر قرار گرفت. به گفته زرقانی تغییر زاویه دید انسان مدرن از آسمان و مجموعه متافیزیک به زمین و جهان، ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داد (زرقانی، ۱۳۹۱: ۴۷). مسائل و مشکلات کشور در بُعد اجتماعی، توجه به احساسات شخصی و تأثیرگذاری مکتب‌های ادبی غربی چون رمانتیسم در بُعد فردی، شاعران را به نیهیلیسم کشاند. این تفکر در جریان شعرنو و پیروان نیما فزونی یافت. از نظر تاریخی در دهه سی گسترده شد. فروغ فرخزاد (۱۳۱۳ - ۱۳۴۵) و احمد شاملو (۱۳۰۴ - ۱۳۷۹) دو شاعر برجسته نیمایی هستند که نیهیلیسم بر محتوای شعرشان سایه انداخته است. در گرایش به نیهیلیسم نیز مؤلفه عشق ارتباط مستقیمی با آن دارد، به گونه‌ای که عشق در بُعد فردی و اجتماعی بر نیهیلیسم‌گرایی آن‌ها تأثیر گذاشته است. در این مقاله چگونگی این تأثیر و نگاه دو شاعر بررسی شده است.

۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

نیهیلیسم در دیوان فروغ فرخزاد و احمد شاملو یکی از موتیف‌های اصلی اشعار آنها است. فرخزاد از همان آغاز شاعری، نگاه پوچ‌گرایی به زندگی دارد. شاملو بعد از دفتر «آهنگ‌های فراموش شده» به شعر پایداری و اجتماعی می‌گراید که محتوای نیهیلیستی ندارد ولی بعد از کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۳۳۲ نیهیلیست در شعر او آغاز می‌شود. مهم‌ترین مسأله که در ارتباط با نیهیلیسم در اشعار هر دو دیده می‌شود، انعکاس مسائل زندگی‌شان است به گونه‌ای که باید گفت شعرشان زندگی فردی و اجتماعی آنهاست. شاملو در مصاحبه‌ای گفته است: «می‌توانم بگویم که آثار من خود اتوبیوگرافی کاملی است. من به این حقیقت معتقدم که شعر برداشت‌هایی از زندگی نیست بلکه یکسره خود زندگی است» (مجابی، ۱۳۸۱: ۶۵۱) و شعر فروغ هم به سهولت نشان می‌دهد که «شعر او خود زندگی‌نامه است» (نیک‌بخت، ۱۳۷۳: ۶۷)؛ هر دو نیز شعر را با محتوای غنایی و رمانتیسم فردی آغاز کردند. بن‌مایه عشق، بن‌مایه اصلی شعر آنهاست که از همان آغاز با نیهیلیسم آمیخته شد و با ابعاد مختلف در شعر آنها دیده می‌شود «عشق مهم‌ترین درونمایه شعری شاملو است» (صادقی، ۱۳۹۷: ۱۱۲) و فرخزاد نیز یکی از شاعران برجسته غنایی ادبیات معاصر است. در این مقاله مسئله تحقیق این است که در محتوای عاشقانه تا چه حد به نیهیلیسم گرایش یافته‌اند و نیهیلیسم در شعر آنها چه ارتباطی با مضمون عشق دارد و با چه ابعادی دیده می‌شود. حدود تحقیق نیز بررسی کل اشعار دو شاعر است.

سؤالات تحقیق در موارد زیر است:

- ۱- مؤلفه عشق در ابعاد نیهیلیسم سیاسی، اجتماعی و فردی در شعر دو شاعر در چه مواردی است؟
- ۲- تفاوت شاملو و فرخزاد در ابعاد نیهیلیسم در ارتباط با مؤلفه عشق در چه مواردی است؟
- ۳- مؤلفه عشق در شعر کدام یک باعث گذر از نیهیلیسم شده است؟

۲-۱. اهداف و ضرورت تحقیق

یکی از ویژگی‌های برجسته شعر معاصر، اندیشه‌های نیهیلیستی است. اغلب شاعران در دوره‌ای، گرایش‌های نیهیلیستی یافته‌اند و هر کدام تحت تأثیر مؤلفه‌های مختلف از پوچی و مرگ و ناامیدی گفته‌اند. اما در شعر معاصر مقایسه‌ای میان شاعران در ابعاد مختلف نیهیلیسم صورت نگرفته است، فروغ فرخزاد و احمد شاملو نیز جزو این شاعران هستند که در شعرشان محتوای نیهیلیسم وجود دارد اما در این موضوع، میان آن‌ها مقایسه‌ای انجام نشده است به ویژه اینکه شعرشان در ارتباط عشق و نیهیلیسم بررسی نشده است. لذا این پژوهش با هدف مقایسه شعر این دو شاعر در ارتباط عشق و نیهیلیسم انجام شده است.

۳-۱. پیشینه تحقیق

بحث نیهیلیسم و مضمون عشق در شعر معاصر، در پژوهش‌های متعدد بررسی شده است. فروغ فرخزاد و احمد شاملو از شاعرانی هستند که مقایسه شعرشان در موضوع‌های مختلف انجام شده است.

- یوسفعلی میرشکاک کتاب «نیست‌انگاری و شعر معاصر» را در سال ۱۳۹۳ چاپ کرده که در آن مؤلفه‌های نیست‌انگاری را در آثار «نیما»، «شاملو»، «فروغ فرخزاد» و «مهدی اخوان ثالث» بررسی کرده است. در ضمن بررسی به دلایل نیهیلیسم آن‌ها توجه دارد و سعی نموده نیهیلیسم ایرانی را مطرح کند و در قالب فرهنگ و اندیشه اعتقادی ایران تحلیل نماید. عشق و نیست‌انگاری نیز مورد نظر وی است اما بحث کلی در این باره دارد و ارتباط عشق را در بُعد فردی و اجتماعی در انواع نیهیلیسم شعر معاصر بررسی نکرده است.

- نادر مسلمی (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی مفهوم و ماهیت عشق در اشعار فروغ فرخزاد» به مؤلفه عشق در شعر فرخزاد توجه دارد اما به نیهیلیسم اشاره ندارد و فقط ابعاد زمینی و عرفانی عشق را در شعر او بررسی نموده است.
- چیمین فتحی و خدابخش اسداللهی (۱۳۹۹) در مقاله «تحلیل تطبیقی شعر فروغ فرخزاد و نیهیلیسم نیچه‌ای» شعر فرخزاد را از منظر نیهیلیسم نیچه بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بر طبق اندیشه‌های نیچه، فرخزاد از نیهیلیسم منفعل به نیهیلیسم فعال رسیده است.
- علی جعفری اردکانی کتاب «کلاغ‌های منفرد انزوا: بررسی روحیه یأس و امید در شعر معاصر از کودتای ۲۸ مرداد تا بهمن ۵۸» در سال ۱۳۹۹ چاپ کرده است. وی نیهیلیسم چند شاعر معاصر را به صورت جداگانه بررسی کرده است، فرخزاد و شاملو نیز جزو جامعه آماری وی است. اما مقایسه‌ای میان آن‌ها انجام نشده و به بررسی جنبه‌های مختلف نیهیلیست در شعر هر کدام به طور مجزا توجه دارد.
- زهره رحمتی (۱۳۹۸) رساله «بررسی نمادها و نشانه‌های پوچ‌گرا و زمینه‌های خلق آن در شعر معاصر با تکیه بر آثار احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد و منوچهر آتشی» را در مقطع دکتری در دانشگاه اراک دفاع کرده است. وی نمادها و نشانه‌های که در نیهیلیسم شاعران وجود دارد، مورد بررسی قرار داده است. همچنین از نویسندگان حاضر مقاله «بررسی ابعاد مختلف نیهیلیسم (پوچ‌گرایی) در شعر شاعران معاصر (مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، فروغ فرخزاد، منوچهر آتشی، نادر نادرپور، محمد زهری» (۱۴۰۲) در مجله بهار ادب چاپ شده است که جنبه‌های مختلف نیهیلیسم سیاسی، اجتماعی، وجودی، فلسفی را در شعر این شاعران بررسی کرده‌ایم.
- رحیم کوشش و زهرا نوری (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیل ابعاد تاریخی مضمون عشق در اشعار احمد شاملو» صرفاً مؤلفه عشق را در شعر شاملو بررسی کرده‌اند اما اینکه عشق

در ابعاد نیهیلیسم دو شاعر چه جایگاهی دارد و آن‌ها با کدام دیدگاه و محتوا به این مؤلفه نگریسته‌اند.

- در موضوع عشق و مقایسه مؤلفه عشق در شعر هر دو شاعر، پژوهش‌هایی وجود دارد از جمله کتاب «جلوه‌های معشوق در ادبیات معاصر: بررسی عشق و جایگاه معشوق در اشعار پنج شاعر برجسته معاصر نیما - شاملو - مشیری - اخوان ثالث و فروغ فرخزاد» از پروانه برارپور (۱۳۸۶)، بنابراین ضرورت نگارش تحقیق تازه در این است که عشق در ارتباط با انواع نیهیلیسم سیاسی، اجتماعی و فردی دو شاعر بررسی گردد و اندیشه آن‌ها در مقابل هم در ارتباط با عشق و نیهیلیسم سنجیده شود. در این پیشینه‌ها، نیهیلیسم در ارتباط با مؤلفه عشق بررسی نشده است. بنابراین بحث نیهیلیسم عاشقانه فرخزاد و شاملو مورد تأکید مقاله حاضر می‌باشد.

۲. بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱ نیهیلیسم

نیهیلیسم از واژه نیهیل nihil به معنی هیچ و تهی است. معنای هیچ، نشان‌دهنده غیاب و وجود امری است که بودنش لازم است (شایگان، ۱۳۷۸: ۱۳) در مفهوم اصطلاحی در زبان فارسی به معنی هیچ‌انگاری یا نیست‌انگاری ترجمه شده است (زرشناس، ۱۳۸۵: ۱۳). در ارتباط با تاریخچه استفاده از این لغت در مفهوم اصطلاحی آن آمده است «اولین بار در سال ۱۹۳۹ توسط آرنولد توین بی به کار رفت. این اصطلاح بعدها در دهه ۱۹۶۰ در نیویورک توسط هنرمندان و منتقدان به کار گرفته شد. سپس نظریه-پردازان اروپایی بودند که در دهه ۱۹۷۰ واژه را به کار بردند» (زاهد، ۱۳۹۲: ۲). دلایل متعددی را برای گرایش به نیهیلیسم نام برده‌اند از اولین منشأ آن، ریاضت و ترک دنیا ذکر شده است که در جوامع ابتدایی رایج بوده است اما بعد از رنسانس، مدرنیته،

جهان صنعتی، جنگ جهانی، رشد تفکرات پوچی و غیره عوامل اصلی پوچ‌گرایی است و مکتب‌های فکری نیز بر آن تأثیر گذار شده‌اند.

۲-۲ جایگاه مؤلفه عشق در ابعاد نیهیلیسم فرخزاد و شاملو

۲-۲-۱ جایگاه مؤلفه عشق نیهیلیسم سیاسی

نیهیلیسم سیاسی در ادبیات معاصر، در جریان شعر نو به دلیل کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ گسترده شد چنان‌که «یأس و ناامیدی عجیبی بر شعر این دوره حاکم است» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۳: ۶۱) و تقریباً تمام شاعران جریان نیمایی به جز چندین نفر با شکست نهضت ملی و مصدق به ناامیدی رسیدند و روحیه یأس و ناامیدی در مرکز توجه شاعران قرار گرفت (احسانی اصطهباناتی، ۱۳۹۹: ۲۸). بخشی از نیهیلیسم شعر شاملو، نیهیلیسم سیاسی است. فرخزاد در آن دوره به سیاست توجه نداشت اما شاملو از جوانی در گروه‌های سیاسی فعالیت کرد. در این دوران، عشق برای او تعبیر سیاسی پیدا کرده بود و اشعار متعددی در ستایش انسانی که برای رسیدن به آزادی می‌جنگد، سرود. وقتی بعد از دفتر «آهنگ‌های فراموش شده» با ابراز بی‌زاری از شعر غنایی به جرگه شاعران سیاسی اجتماعی پیوست؛ در دفتر «آهن‌ها و احساس‌ها»، «قطعه ۲۳» و «قطعنامه» نمونه‌های عشق به انسان مبارز دارد و آن‌ها را «خداوندان اساطیر» خطاب می‌کند (شاملو، ۱۳۸۴: ۷۴) اما با وقوع کودتا، دستگیر شد و به زندان رفت. بعد از آزادی همچون دیگر شاعران شکست‌خورده به نیهیلیسم روی آورد. دلیل اصلی او در این نیهیلیسم، مشاهده خیانت یاران و نبود عشق میان آن‌ها بود. او قبل از کودتا با عشق به آن‌ها شعر سروده بود اما آن‌ها در روز سختی و زندان و کودتا یاریگر شاملو و همراهانش نشدند «خود را در میان گروهی از انسان‌های عظیم مبارز یافته بود تا به هواداری انسان عام برزمد اکنون در می‌یافت که همه نیروها، هم سطح و هم پایه نیستند و این ضربه سخت‌تری بر او و کسانی چون او وارد می‌آورد. توقع می‌رفت که

همه چون نازلی رفتار کنند اما این یک توقع آرمان‌گرایانه بود حال آنکه در واقعیت همه مبارزان از چنین موقعیتی برخوردار نبودند» (مختاری: ۱۳۷۱: ۳۰۹-۳۱۰). شاملو با یأس، دوستانش را که قبل از کودتا برای مبارزه متحد بودند و حالا او را تنها گذاشته‌اند، خائن توصیف کرد. محتوای پوچی در اشعار این دوره او در ارتباط با یأس عاشقانه به انسان مبارز است و در شعر «سرود مردی که تنها می‌رود» این نیهیلیسم دیده می‌شود. او با توصیف «خنجر از پشت خوردن» نهایت یأسش را توصیف کرده است.

«با من به مرگ سرداری که از پشت خنجر خورده است گریه کن / او با شمشیر خویش می‌گوید / — برای چه بر خاک ریختی / خون کسانی را که از یاران من سیاه‌کارت‌ر نبودند؟ / و شمشیر با او می‌گوید: / — برای چه یارانی برگزیدی / که بیش از دشمنان تو با زشتی سوگند خورده بودند؟ / و سردار جنگ‌آور که نامش طلسم پیروزی‌هاست، تنها، تنها بر سرزمینی بیگانه چنگ بر خاک خونین می‌زند» (شاملو، ۱۳۸۴: ۲۹۷).

شاملو درباره زندان رفتنش بعد از کودتا، گفته است، این زندان کفاره عشق او به چنین افرادی بود: «بهترین روزهای عمرم را بر سر هیچ و پوچ در گوشه‌های زندان گذرانیدم. این زندان‌ها، پاره‌های قلب من بودند یا بهتر بگویم کفاره عشق من و صداقت من و کفاره زندگانی با کسانی که دوستشان داشتم. خاطرات مشترکی داشتیم و بسیاری از اشعار من به نام آن‌هاست. مردمی که یک زمان خوف‌انگیزترین عشق من بودند» (دست‌غیب، ۱۳۷۳: ۵۰).

در ابیات زیر زندگی را «شکنجه‌ای مضاعف» توصیف کرده است و دلیل این شکنجه نیز زندگی کردن با چنین افرادی است.

«من محکوم شکنجه‌ایی مضاعفام / این چنین زیستن / و این چنین / در میان شما زیستن / با شما زیستن / که دیری دوستارتان بوده‌ام / من از آتش و آب / سر

درآوردم / از توفان و از پرنده / من از شادی و درد / سر درآوردم / گل خورشید را اما / هرگز ندانستم / که ظلمت گردان شب / چگونه تواند شد / دیدم آنان را بی شماران / که دل از همه سودایی عریان کرده بودند / تا انسانیت را از آن / غلّمی کنند / و در پس آن / به هر آنچه انسانی ست / تف می کردند» (شاملو، ۱۳۸۴: ۴۸۷-۴۸۸).

۲-۲-۲ جایگاه مؤلفه عشق در نیهیلیسم اجتماعی

نیهیلیسم اجتماعی در شعر فرخزاد و شاملو در ارتباط با نگاه آن‌ها به مقوله عشق در جامعه است؛ افکار نیهیلیستی‌شان در نبود عشق در جامعه، مشترک است؛ اما هر کدام از دیدگاه خود به این مسئله اندیشیده‌اند. فرخزاد در دوره اول شاعری، یأس از تفکرات مردم در جامعه مردسالار را دارد که سخن گفتن از عشق را برای یک زن نمی‌پسندند. از طرفی ریشه در مشکلات شخصی و شکست او در ازدواج دارد که آن را به اجتماع تعمیم داده است. چنانکه افسوس او بعد از طلاق بیشتر شد و با نقد جامعه، شکست خود را به سرنوشت زنان جامعه ارتباط داد «عواطف و آرزوهای شاعر در سایه این شکست، ظرفیت و عمق می‌یابد. فروغ تجربه و ناکامی فردی خود را با سرنوشت زن ایرانی پیوند می‌زند و به آن بُعدی انسانی و عمومی می‌بخشد. او همه زنان را چون خود، شکست‌خورده و ناکام می‌انگارد و از زبان آن‌ها و به جای آنان، زبان به اعتراض می‌گشاید. شکست، از فروغ، زنی متعهد در برابر زنان جامعه خویش می‌سازد و او را صاحب دردی اصیل و انسانی می‌کند» (باقی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۲۰).

در نیهیلیسم اجتماعی، یأس عاشقانه او از مردان جفاکاری است که عشقش را نادیده گرفته‌اند و در چنین جامعه‌ای به مرگ و پوچی می‌اندیشد. شعر «خسته» گویای چنین نیهیلیسمی است؛ در این شعر زنی را توصیف می‌کند که از جفای مردان خسته است، از عشق رنجور شده و به دنبال آرامش جاودانه (مرگ) می‌گردد.

دلیل اصلی مرگان‌اندیشی او نیز این است که مردان در این جامعه، به احساس زنانه او توجهی ندارند و زن را موجودی ساده‌لوح می‌پندارند.

در آغاز شعر، شاعر به خاطر جفای مرد، از او دلزده می‌شود، حتی عشق نیز باعث رنج اوست. با اندیشه نیهیلیستی می‌گوید به دنبال «آسایش بیکرانه» است و در مقابل عشق، از جام زهر بوسه گرفتن بهتراست.

«ز بیم و امید عشق رنجورم / آرامش جاودانه می‌خواهم / بر حسرت دل دگر نیفزایم /
آسایش بیکرانه می‌خواهم / پا بر سر دل نهاده می‌گویم / بگذشتن از آن ستیزه‌جو
خوشر / یک بوسه ز جام زهر بگرفتن / از بوسه آتشین او خوشتر» (فرخزاد، ۱۳۸۴: ۵۱).

فرخزاد این اندیشه را در دوره دوم با پروردگی زبان و خیال سروده است. نیهیلیسم اجتماعی او در این دوره، یأس از تباهی عشق در جامعه است و از اندوه عدم درک عشق در میان مردم به یأس رسیده است. در بخشی از منظومه بلند ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، عشق‌ورزی و دشمنی مردم را با تصویرسازی از افرادی که انسان را می‌بوسند اما در ذهن خود به دنبال کشتن‌شان هستند، توصیف کرده است.

«من از جهان بی تفاوتی فکرها و حرف‌ها و صداها می‌آیم / و این جهان به لانه ماران
مانند است / و این جهان پر از صدای حرکت پاهای مردمی ست / که همچنان که تو
را می‌بوسند / در ذهن خود طناب دار تو را می‌بافند» (همان: ۳۰۲).

نیهیلیسم اجتماعی شاملو در ارتباط با مؤلفه عشق، به زوال جامعه و عدم عشق و مهربانی میان مردم که با تأثیر از وضعیت سیاسی در جامعه ایجاد شده بود، قرار دارد. عاطفه او بر خلاف فرخزاد که عاطفه‌ای زنانه است، با خشم تلخی همراه است که به زوال و تباهی و ناامیدی به بهبودی جامعه انجامیده است. او که در نیهیلیسیم سیاسی

با ناامیدی از عشق به انسان مبارز شعر سروده بود، در نیهیلیسم اجتماعی از نبود عشق و محبت میان مردم گفته است. برای نمونه در شعر طولانی «عصری عظمت‌های غول‌آسا...» در ابیاتی، از بی‌اعتباری عشق در جامعه گفته است

«عصری که شرم و حق حسابش جداست / و عشق سوء تفاهمی ست / که با متأسف گفتنی فراموش می‌شود» (شاملو، ۱۳۸۴: ۵۱۷).

مرگ‌اندیشی، سویه نیهیلیستی او در مواجه با چنین شرایطی در جامعه است. در ابیات زیر با توصیف تباهی خودش با جمله پارادوکسی «آبادی از ویرانی» خود را فردی «خفته در تابوت» توصیف کرده و گفته است حرفهایی در دل دارد اما سکوت می‌کند

«دست بردار ازین هیکل غم / که ز ویرانی خویش است آباد / دست بردار که تاریکم و سرد / چون فرومرده چراغ از دم باد / دست بردار، ز تو در عجبم / به در بسته چه می‌کوبی سر / نیست، می‌دانی، در خانه کسی / سر فرومی‌کوبی باز به در / زنده این گونه به غم / خفته‌ام در تابوت / حرف‌ها دارم در دل / می‌گزم لب به سکوت / دست بردار که گر خاموشم / با لب‌ام هر نفسی فریاد است / به نظر هر شب و روزم سالی است / گرچه خود عمر به چشمم باد است» (همان: ۹۳-۹۴).

۲-۲-۳ جایگاه مؤلفه عشق در نیهیلیسم فردی

در شعر معاصر، ارتباط دوسویه زندگی شاعران با اندیشه‌های شعری‌شان به فراوانی دیده می‌شود. نیهیلیسم فردی در این موضوع است که شاعر به دلیل مشکلات و عواطف فردی خود به پوچ‌گرایی می‌رسد. این نیهیلیسم در شعر غنایی آمده و مؤلفه «عشق» محوریت و دلیل اصلی پوچ‌گرایی شاعران است. شعر فرخزاد و شاملو نیز در این نوع نیهیلیسم برجستگی دارد. عواطف عاشقانه زندگی هر دو

شاعر در پوچ‌گرایی‌شان تکرار شده است و آن‌ها را به یأس و مرگان‌اندیشی رسانده است. این ویژگی در شعر فروغ فرخزاد برجسته‌تر از شعر شاملو است. وی گویی لحظه‌های اندوهش در زندگی را در شعرش ثبت کرده است، به گفته شفیعی کدکنی «تمام شعر فروغ، تجارب شخصی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۳). عشق به عنوان راهکار مهم می‌توانست، شاعر را در میان مشکلات مختلف زندگی مثل بی‌پولی، بی‌مهری مردم، بیکاری و غیره از نیهیلیسم رهایی دهد اما با شکست عاطفی، نیهیلیسم بر شعر او سایه انداخت و فرخزاد هرگز نتوانست از آن گذر کند. به گفته شمیسا «از اکثر اشعار فروغ یک لحن ناامیدانه شنیده می‌شود، امیدی به آینده نیست همه امور خوش در گذشته تمام شده است. آینده را سیاهی و شکست و سقوط فرا گرفته است» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۳۵-۱۳۶). او علاوه بر شعرش، در مصاحبه‌ها و نامه‌ها از نارضایتی خود گفته است. در یکی از نامه‌هایش نوشته است به دلیل اینکه زندگی روشنی نداشته، عمرش را باخته است: «حس می‌کنم عمرم را باخته‌ام و خیلی کمتر از آنچه که در بیست و هفت سالگی باید بدانم می‌دانم شاید علتش این است که هرگز زندگی روشنی نداشته‌ام» (جلالی، ۱۳۷۶: ۱۶۰).

مهم‌ترین تجربه تلخ او ماجرای ازدواج و طلاقش است که باعث رشد تفکرات نیهیلیستی در شعرش شده است. به گفته خودش «آن عشق و ازدواج مضحک در ۱۶ سالگی، پایه‌های زندگی آینده مرا متزلزل کرد» (همان) با توجه به اشعارش می‌توان گفت تمام اندوه فروغ پیرامون عشق و عاطفه اوست. همواره برای یافتن معشوقی که او را به زندگی متعالی برساند، تلاش کرده اما چنین معشوقی را نیافته است. این شکست همراه با مشکلات دیگر زندگی، دلهره‌های شاعر را بیشتر کرد. ابیات زیر از شعرهای دوره اول اوست که می‌گوید روزگارش به حسرت گذشت

«منم آن مرغ، آن مرغی که دیربست / به سر اندیشه پرواز دارم / سرودم ناله شد در سینه تنگ / به حسرت‌ها سر آمد روزگارم» (فرخزاد، ۱۳۸۴: ۴۰).

نیهیلیسم عاشقانه در دوره دوم شعرش، عمیق تر می شود. تنهایی، یأس همیشگی، اندیشیدن به مرگ، پوچی زندگی از نتایج این نیهیلیسم است. در شعر «دریافت» از شهوت مرگ پر می شود (همان: ۲۱۷) شعر «جمعه»، گویای زندگی اندوهبار اوست که جوانی اش با تنهایی و یأس گذشته است (همان: ۲۲۷-۲۲۸) در شعر «تولد دیگر» تمام هستی خود را آیه تاریک نامیده است (همان: ۲۹۱) توصیف های مختلف برای زندگی آورده و سرانجام گفته است نصیبی از این زندگی نداشته و سهمش به پوسیدگی و غربت رسیدن است (همان: ۲۹۳).

یکی از دلایل او در این نیهیلیسم نداشتن معشوق متعالی است. عشق به چنین معشوقی برای او ارمغانی جز یأس و ناامیدی نداشت، ناامیدی از وجود چنین عشق و معشوقی در ابیات متعدد آمده است. شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» منظومه-ای بلند در ارتباط با نیهیلیسم فردی فرخزاد است. در این منظومه، شکست در عشق، جفای معشوق و تنهایی خود را توصیف کرده است. شعر با نومیادی یک زن آغاز می شود (که اشاره به خود شاعر است). زنی با «ناتوانی دست های سیمانی»، در آستانه فصلی سرد (نمادی از ناامیدی) ایستاده است و به دنبال نجات دهنده ای می گردد اما غافل از اینکه نجات دهنده روحیه خود اوست که اینک در گور خفته است و تنها در مرگ آرامش را می بیند:

«نجات دهنده در گور خفته است / و خاک، خاک پذیرنده / اشارت نیست به آرامش» (همان: ۲۹۸).

ادامه شعرش توصیف جفاکاری مرد است که با دروغ زندگی اش را تباه کرد. «وقتی در آسمان، دروغ وزیدن می گیرد / دیگر چگونه می شود به سوره های رسولان سر شکسته پناه آورد؟» (همان: ۳۰۰).

مرگ‌اندیشی شاعر نهایت افکار نیهیلیستی که بعد از توصیف‌ها از تباهی زندگی‌اش به آن می‌رسد. مرگ خود را می‌پذیرد و این زندگی را تمام شده می‌بیند.

«آیا دوباره گیسوانم را / در باد شانه خواهم زد؟ / آیا دوباره باغچه‌ها را بنفشه خواهم کاشت؟ / و شمعدانی‌ها را در آسمان پشت پنجره خواهم گذاشت؟ / آیا دوباره روی لیوان خواهم رقصید؟ / آیا دوباره زنگ در مرا به سوی انتظار صدا خواهد برد؟ / به مادرم گفتم دیگر تمام شد / گفتم همیشه پیش از آن که فکر کنی اتفاق می‌افتد / باید برای روزنامه تسلیتی بفرستیم» (همان: ۳۰۳).

بعد از اینکه به فکر تسلیت فرستادن به روزنامه می‌افتد، به تنهایی می‌اندیشد و اتاق را به آن تسلیم می‌کند

«سلام ای غرابت تنهایی / اتاق را به تو تسلیم می‌کنم / چرا که ابرهای تیره همیشه / پیغمبران آیه‌های تازه تپه‌پیرند...» (همان: ۳۰۸).

نیهیلیسم عاشقانه شاملو از دهه سی شروع می‌شود. همانند فرزاد، این نیهیلیسم با زندگی شخصی او در ارتباط است. وقتی با وقوع کودتا به دلیل همکاری با حزب توده به زندان می‌افتد بعد از آزادی، همسر اولش طلاق می‌گیرد. در سال ۱۳۳۶ برای بار دوم ازدواج می‌کند اما در این ازدواج هم شکست می‌خورد، شاملو با ازدواج دوم در فکر یک زندگی تازه بود اما با طلاق، تنهایی‌اش بیشتر می‌شود. این شکست برای او که در آرمان‌های سیاسی اجتماعی خود نیز شکست خورده بود و از بی‌وفایی یاران و وضعیت جامعه به نیهیلیسم سیاسی اجتماعی رسیده بود، موجب نیهیلیسم عاشقانه نیز گردید و او را تا مرز خودکشی برد. در این دوره، نیهیلیسم او به شعر فروغ بسیار شبیه است. در شعر «غزل بزرگ» عشق را به قفسی مانند کرده که از پرده خالی مانده است.

«عشقم قفسی است از پرنده خالی / افسرده و ملول / در مسیر توفان تلاشم / که بر درخت خشک بُهت من آویخته مانده است / و با تکان سرسامی خاطره خیزش / سرداب مرموز قلبم را از زوزه‌های مبهم دردی کشنده می‌آکند» (شاملو، ۱۳۸۴: ۲۸۴).

در ادامه شعر دردی که از عشق پیدا کرده را چنان عمیق می‌داند که دیگر امیدی به بهبودی ندارد، خود را لنگر پر رفت و آمد درد معرفی می‌کند که وقتی خاطرات این عشق را با خود مرور می‌کند، می‌فهمد که مرده است، پایان شعر نیز معشوق را شاخه جدا مانده از خودش تعبیر می‌کند. (همان: ۲۸۵-۲۸۶).

این اندوه تا پیدا شدن آیدا در زندگی او دیده می‌شود و در شعرش منعکس شده است.

۲-۲-۴ شکست عاشقانه و خودکشی

نهایت نیهیلیسم خودکشی است، در شعر احمد شاملو و فروغ فرخزاد، عشق در این تفکر دخیل بوده و شکست‌های عاشقانه باعث انگیزه خودکشی آن‌ها شده است. خود فروغ در زندگی شخصی با توجه به ناملایمات زندگی به خودکشی می‌اندیشید و شکست در عشق که زیربنای زندگی او را تغییر داد، عامل اصلی می‌تواند باشد «اقدام به خودکشی ممکن است جزء نتایج محتمل تفکرات هر نیهیلیست وجودی باشد» (عابدینی فرد، ۱۳۸۹: ۱۴۹). فرخزاد در میان سال‌های ۱۳۴۲-۴۳ با خوردن یک بسته قرص دست به خودکشی زد گرچه نجات یافت اما اندیشه خودکشی پیوسته با او بود. یکی از دلایل آن را نیز در شکست عاشقانه می‌توان جستجو کرد. به گواهی اشعارش، به جرأت می‌توان گفت اگر معشوقی والا در کنار او بود، به نیهیلیسم دچار نمی‌شد. «مایه اصلی زندگی و شعر برای عشق است اما این عشق که تمام زندگی واقعی و هنری او را در خود گرفته است، برای او حاصلی به‌بار نمی‌آورد جز ناکامی و شکست» (زرین کوب، ۱۳۵۸: ۱۹۸).

ابیات زیر از منظومه ایمان بیاوریم، گویای تفکر مرگ‌اندیشی شاعر از عشق است، عشق را یک زخم معرفی کرده است و با تکرار سه بار آن با تأکیدی که در مفهوم شعر دارد، تکه‌تکه شدن قلبش را از زخم عشق توصیف کرده است. جزیره سرگردان استعاره از قلب شاعر است که دردهای بزرگ (انقلاب اقیانوس، انفجار کوه) را پشت سر گذاشته و تکه‌تکه شده است در حالی که چنان بود که از حقیرترین ذره‌هایش آفتاب (رمز عشق و امید) به دنیا آمده بود.

«و زخم‌های من همه از عشق است / از عشق، عشق، عشق / من این جزیره سرگردان را / از انقلاب اقیانوس / و انفجار کوه گذر داده‌ام / و تکه‌تکه شدن، راز آن وجود متحدی بود / که از حقیرترین ذره‌هایش آفتاب به دنیا آمد» (فرخزاد، ۱۳۸۴: ۳۰۱).

شکست عاشقانه در شعر شاملو نیز انگیزه خودکشی را در او ایجاد کرده است و بعد از ناامیدی از دوستانش و طلاق دوم، غرق در نومیدی بود که به گفته خودش، او را به «عزیمت جاودانه» سوق داده است تا اینکه آیدا باعث نجات او شد.

«آفتاب را در فراسوهای افق پنداشته بودم / به جز عزیمت نا به هنگامم گریزی نبود / چنین انگاشته بودم / آیدا فسخ عزیمت جاودانه بود» (شاملو، ۱۳۸۴: ۴۵۴).

۲-۳ جایگاه مؤلفه عشق در گذر از نیهیلیسم

اگرچه مؤلفه عشق یکی از دلایل نیهیلیسم هر دو شاعر در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فردی است، اما در گذر از نیهیلیسم دو شاعر نیز تأثیر گذاشته است. از این منظر گذر از نیهیلیسم آن‌ها باهم متفاوت است. با نبود معشوق متعالی و نبود عشق مؤثر بر زندگی فرخزاد، تفکر نیهیلیستی در شعر او دائمی مانده است اما شاملو با عشق متعالی آیدا از نیهیلیسم گذر کرده است. او بعد از شکست دوم در ازدواجش، با شکستی که کودتا بر روحیه‌اش سنگینی می‌کرد، به فکر خودکشی می‌افتد اما با عشق به آیدا به گفته خودش در آستانه خودکشی، از یأس و ناامیدی رها می‌شود «شاملو

تا آستانه یأس پیش می‌رود به دنبال دستاویزی برای ادامه زندگی است او از بدی گریخته و دنیا او را نفرین کرده است و سال بد رسیده؟ چاره چیست، سکوت و ... ؟ ادامه مبارزه؟ شاعر هیچ‌کدام از اینها را بر نمی‌گزیند بلکه به سوی عشق فردی می‌گراید و نجات می‌یابد» (دست‌غیب، ۱۳۷۳: ۶۲). میرشکاک در کتاب «نیست‌انگاری و شعر معاصر» در باب گریز از نیست‌انگاری در اشعار شاملو می‌نویسد: «آنچه در آثار شاملو جالب است، گریز از نیست‌انگاری با توسل و تمسک به عشق مجاز است یا دقیق‌تر بگویم سعی در گریز از نیست‌انگاری با پناه بردن به مظاهر عشق زمینی. عشق مجاز نمی‌تواند با نیست‌انگاری مقابله کند اما می‌تواند پناه تسکینی باشد تا انسان‌ها با آن، روزگار بحران را پشت سر بگذارند و آن‌گاه به حق رو کنند یا به باطل» (میرشکاک، ۱۳۹۳: ۱۵۰). خود او هم در نامه‌هایش آمدن آیدا را باز آمدن عشق توصیف کرده است، در نامه‌ای به او گفته است: «تو طلوع کردی و عشق باز آمد، شعر شکوفه کرد و کبوتر شادی بال زنان بازگشت، تنهایی و خستگی بر خاک ریخت. من با توأم و آینه‌های خالی از تصویرهای مهر و امید سرشار می‌شوند» (شاملو، ۱۳۹۶: ۹). در ابیات زیر از عشق گذشته خود به یاران فریبکار افسوس می‌خورد و آن را کنار می‌گذارد و عشق به آیدا را انتخاب می‌کند.

«جز عشقی جنون‌آسا / هر چیز این جهان شما جنون‌آساست / جز عشق به زنی که دوست می‌دارم / چگونه لعنت‌ها از تقدیس‌ها / لذت بخش‌تر آمده است / چگونه مرگ شادی بخش‌تر از زندگی است / چگونه گرسنگی را گرم‌تر از نان شما می‌باید پذیرفت / لعنت به شما که جز عشق جنون‌آسا / همه چیز این جهان شما جنون‌آساست» (شاملو، ۱۳۸۴: ۳۵۲).

آیدا در زندگی دردناک او، مایه آرامش شاعر است

«بر چهره زندگانی من / که بر آن هر شیار / از اندوهی جانکاه حکایتی می‌کند / آیدا لبخند آمرزشی ست» (همان: ۵۱۳).

بعد از آیدا، توصیف‌های شاملو از زندگی، عاشقانه است. شعرهای متعدد در وصف معشوقش سروده و او را به زیبایی و مهربانی ستوده است. در ابیات زیر گفته است در نگاهش همه مهربانی است و قاصدی است که از زندگی خبر می‌دهد.

«در نگاهت همه مهربانی‌هاست / قاصدی که زندگی را خبر می‌دهد / و در سکوتت همه صداهاست / فریادی که بودن را تجربه می‌کند» (همان: ۴۷۵).

۳- نتیجه‌گیری

نیپیلیسم با ابعاد مختلف در شعر معاصر ایران دیده می‌شود. دلایل متعددی نیز باعث گرایش‌های شاعران به این مکتب است. مؤلفه عشق یکی از دلایل مهمی است که در ابعاد مختلف نیپیلیسم شاعران دخیل شده است. در پژوهش حاضر، مؤلفه عشق در ارتباط با نیپیلیسم سیاسی، اجتماعی و فردی در شعر احمد شاملو و فروغ فرخزاد بررسی شد. جنبه سیاسی نیپیلیسم در شعر شاملو آمده است و وی قبل از کودتا با عشق به انسان مبارز، شعر سیاسی می‌سراید اما بعد از کودتا وقتی بی‌وفایی آن‌ها را می‌بیند، به یأس نیپیلیسمی می‌رسد. در شعر فرخزاد ارتباط عشق و نیپیلیسم سیاسی دیده نمی‌شود. در نیپیلیسم اجتماعی، مؤلفه عشق در زوال عشق در میان مردم جامعه مورد نظر دو شاعر است و زوال عشق باعث گرایش‌های نیپیلیستی آن‌ها شده است. در این جنبه نیپیلیسم، تباهی جامعه را توصیف کرده‌اند. در جنبه نیپیلیسم فردی، عشق تأثیر بیشتری دارد و در شعر هر دو مشترک است. هر دو شاعر با نداشتن معشوقی والا به نیپیلیسم روی آورده‌ند و تا نهایت آن که خودکشی است، پیش رفته‌اند. تفاوت دو شاعر نیز در اندیشه نیپیلیسمی در همین جنبه است. گذر از نیپیلیسم به یاری عشق در شعر شاملو اتفاق می‌افتد. با راه یافتن آیدا به زندگی شاعر، نیپیلیسم فردی شاعر تمام می‌شود اما در شعر فرخزاد این نیپیلیسم دائمی می‌ماند و او همواره تا پایان شاعری به رگم امید به زندگی از نارضایتی خود در عاشقانه‌های

خود می‌گوید و معشوق را یکی از دلایل تباهی زندگی‌اش معرفی می‌کند. به طور کلی نتایج تحقیق نشان داد. ارتباط عشق با نیهیلیسم فردی در شعر آن‌ها بسامد دارد اما به نیهیلیسم سیاسی اجتماعی نیز ارتباط یافته است. عواطف هر دو شاعر با مؤلفهٔ عشق پیوند خورده است. زوال عشق در میان مردم، نبود عشق در زندگی، شکست عاشقانه باعث گرایش‌های نیهیلیستی دو شاعر است.

کتاب‌شناسی

الف: کتاب‌ها

- ۱) جلالی، بهروز (۱۳۷۶)، *در غروبی ابدی (زندگینامه، مجموعه آثار منصور، مصاحبه و نامه‌های فروغ فرخزاد)*، تهران: مروارید.
- ۲) دست‌غیب، عبدالعلی (۱۳۷۳)، *تقد آثار احمد شاملو*، نشر آروین.
- ۳) زرشناس، شهریار (۱۳۸۵)، *نیهیلیسم*، تهران: کانون اندیشه جوان.
- ۴) زرقانی، مهدی (۱۳۹۱)، *چشم‌انداز شعر معاصر ایران: جریان‌شناسی شعر ایران در قرن بیستم*، تهران: ثالث.
- ۵) زرین‌کوب، حمید (۱۳۵۸)، *چشم‌انداز شعر نو فارسی*، تهران: توس.
- ۶) شاملو، احمد (۱۳۸۴)، *مجموعه اشعار*، تهران: نگاه.
- ۷) شاملو، احمد (۱۳۹۶)، *مثل خون در رگ‌های من: نامه‌های احمد شاملو به آیدا*، تهران: چشمه.
- ۸) شایگان، داریوش (۱۳۷۸)، *آسیا در برابر غرب*، تهران: امیرکبیر.
- ۹) شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳)، *ادوار شعر فارسی از مشروطه تا سقوط سلطنت*، تهران: سخن.
- ۱۰) شمیسا، سیروس (۱۳۷۶)، *نگاهی به فروغ*، تهران: مروارید.
- ۱۱) فرخزاد، فروغ (۱۳۸۴)، *دیوان اشعار*، تهران: مجید.
- ۱۲) مجابی، جواد (۱۳۸۱)، *شناخت‌نامه احمد شاملو*، تهران: قطره.
- ۱۳) مختاری، محمد (۱۳۷۱)، *انسان در شعر معاصر*، تهران: توس.
- ۱۴) میرشکاک، یوسفعلی (۱۳۹۳)، *نیست‌انگاری و شعر معاصر*، تهران: پگاه روزگار نو.

۱۵) نیک‌بخت، محمود (۱۳۸۳)، *از گمشدگی تا رهایی (شعر و زندگی فروغ فرخزاد)*، اصفهان: مشعل.

ب: مقاله‌ها

- ۱) احسانی اصطهباناتی، محمد امین (۱۳۹۹)، «بدبینی شاعران بعد از کودتای ۲۸ مرداد، بر اساس شعر اخوان ثالث و فروغ فرخ‌زاد»، فصل‌نامه بین‌المللی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)، دوره ۳، شماره ۶، صص ۲۷-۴۷.
- ۲) باقی‌نژاد، عباس (۱۳۸۵)، «فروغ فرخزاد؛ شاعر عاطفه و شکست»، نشریه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، شماره ۲، صص ۱-۱۷.
- ۳) زاهد، فیاض (۱۳۹۲)، «پست مدرنیسم و تأثیر نیهیلیسم بر آن»، پژوهش‌های معرفت‌شناختی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱-۱۷.
- ۴) زمانیان، علی (۱۳۸۵)، «نیهیلیسم از انکار تا واقعیت»، فصل‌نامه راهبرد، شماره ۴۰، صص ۸۷-۱۱۴.
- ۵) صادقی، معصومه (۱۳۹۷)، «رمانتیسم و بازتاب آن در شعر احمد شاملو»، فصل‌نامه بین‌المللی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۱۲.
- ۶) عابدینی‌فرد، مصطفی (۱۳۸۹)، «نیهیلیسم در رباعی‌های خیام»، نقد ادبی، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۱۴۳-۱۷۴.